

مسند ربیع بن حبیب اباضی، استناد و اعتبارسنجی

مهدی ستوده کویری آرانی^۱

حسین خوشدل مفرد^۲

محمد ناصحی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۹، صفحه ۲۰۶ تا ۲۲۲ (مقاله پژوهشی)

چکیده

یکی از فرق اسلامی که در حیات ۱۳۰۰ ساله خود اهمی و ویژه به حدیث داشته فرقه اباضیه است؛ اباضیه فرقه‌ای منشعب شده از پیکره خوارج است که تاکنون به حیات سیاسی - عقیدتی خود ادامه داده است و پیروان متعددی دارد. آثار حدیثی اباضیه نه تنها در مطالعه تاریخ این فرقه از اساسی‌ترین منابع محسوب می‌شود، بلکه در مطالعات حدیث‌پژوهی تاریخ اسلام در نواحی شبه‌جزیره و عراق و همچنین شمال و شرق آفریقا در خور توجه اند. بنابراین اعتبارسنجی و بررسی روش اطمینان به صدور این احادیث که تاریخی هم‌پای عصر صدور حدیث دارد، لازم است. در میان آثار حدیثی اباضیه *المسند* ربیع بن حبیب جایگاه برجسته‌ای دارد. روایاتی که از ربیع در کتاب *المسند* نقل شده طی سده‌های متمادی به عنوان یکی از منابع اصلی و مورد وثوق در فقه اباضی مطرح بوده است. در این مطالعه علاوه بر آشنایی با این فرقه، به اعتبارسنجی *المسند* ربیع در نزد متقدمین و متأخرین و وثاقت مؤلف و روش روایی ایشان می‌پردازیم. نداشتن جامعیت مطالب فقهی، به‌هم‌ریختگی‌هایی نظیر آوردن مطالب کلامی ذیل ابواب و همچنین درج روایات غیرمرتبط به موضوع هر باب و مرسل و منقطع بودن روایات و همچنین تقطیع آنان برای کتابی که به *المسند* شناخته شده، ضعف بزرگی شمرده می‌شود. اثبات جعلی بودن *المسند* بسیار دشوار است و همچنین به احتمال زیاد، ربیع مدون *المسند* نبوده بلکه این کار توسط یکی از شاگردان او انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: حدیث، اباضیه، ربیع بن حبیب اباضی، *المسند*، *الجامع الصحیح*، ابویعقوب ورجلانی.

^۱ دانشجوی دکترای هیات و معارف اسلامی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

khosh110@gmail.com

^۲ استادیار گروه معارف اسلامی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران، (نویسنده مسئول).

khoshdel75@yahoo.com

^۳ استادیار گروه معارف اسلامی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. dr.mnasehi@gmail.com

درآمد

بروز اختلاف بین مسلمانان به صورت خفی در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) و علنی بعد از رحلت ایشان، به ویژه اختلاف در مبانی کلامی و شیوه‌های اجتهادی، زمینه پیدایش مذاهب مختلف فقهی، کلامی و روایی و... را در تاریخ اسلام فراهم نمود. نمونه‌ای از این اختلافات را می‌توان اندکی پس از مرگ یزید بن معاویه مشاهده کرد که بنابر عواملی در پیکره خوارج انشعابات پدید آمد. این انشعاب بدین شکل صورت گرفت که گروهی پیرامون عبدالله بن اباض (د ۸۶ ق) گرد آمدند و ابتدا به قاعدین و بعدها به اباضیه مشهور شدند (اعوش، ۱۴۰۹ق، ۱۹). اباضیه در حال حاضر نیز پیروان نسبتاً زیادی دارد و مرکز اصلی آنان کشور عمان است. برخی از پیروان این مذهب در مناطقی از لیبی، تونس و الجزایر و اقلیتی هم در زنگبار ساکن اند.

اباضیه از انشعابات خوارج است؛ اما آنان اختلافات مهمی با خوارج در مسائلی چون امامت، تقیه (ملک‌مکان، ۱۳۸۴ش، ۲۰۱) و مقبولیت حضرت علی (ع) دارند (ضیائی، ۱۳۹۰ش، ۳۱۱). این فرقه به دلیل اعتدال در تفکرات و اندیشه‌ها، تنها فرقه‌ای از خوارج است که بعد از حدود ۱۴ سده تاکنون باقی مانده است. با این وجود، ناآگاهی از این مذهب و پیوند تاریخی آن با جریان خوارج تا حدودی سبب شده است که اباضیه را فرقه‌ای از خوارج بدانند و به آثار فکری و اعتقادی ایشان مانند روایاتی که از اباضیان متقدم نقل کرده‌اند، بی‌توجهی شود (خلیفات، ۱۹۷۸م، ۱۲).

برخی از محققان عبدالله بن اباض را رهبر سیاسی این گروه می‌دانند و اولین امام و رهبر علمی و دینی آن‌ها را ابوالشعنا جابر بن زید بن زید عمانی (د ۹۶ق یا ۱۰۳ق) معرفی می‌کنند. جابر از فقهاء تابعین و محدثان و از سران اباضی مذهب در نیمه دوم سده ۱۴ ق است. منابع اباضیه، شکل‌گیری این مذهب را به او نسبت می‌دهند (نک: دُرَجینی، ۱۳۹۴ق، ۲/۲۰۵؛ شماخی، ۱۴۰۷ق، ۷۰). نقل است که انس بن مالک صحابی (د ۹۳ق) در زمان فوت جابر بن زید گفت: امروز عالم‌ترین فرد بر روی زمین از دنیا رفت (معمّر، ۱۳۸۴ق، ۱۲۵). اباضیان روایات خود خصوصاً روایات فقهی را منتسب به جابر بن زید و ابوعبیده (دومین امام اباضیه) می‌دانند. با این حال نیمه دوم سده ۱۴ ق را باید تحول دیگری در حدیث اباضیه دانست. احادیث فقهی منقول از ربیع بن حبیب اباضی این امکان را برای علماء و دانشمندان اباضی به وجود آورد تا بیش‌تر از گذشته از حدیث استفاده نمایند و موجب شد جایگاه حدیث در این فرقه بیش از پیش نمایان شود.

طرح مسئله

شناسایی کهن‌ترین و معتبرترین جوامع حدیثی فرق و مذاهب اسلامی و اعتبارسنجی آن‌ها، می‌تواند نتایج ارزشمندی در پی داشته باشد. در این میان، **مسند ربیع بن حبیب اباضی** هم‌چون یک متن حدیثی منسوب به سده ۲ق، به نسبت متون حدیثی کهن اهل سنت و شیعه کم‌تر شناخته شده است. در این

مطالعه می‌خواهیم *مسند* ربیع بن حبیب را از چهار جنبه مختلف بررسی کنیم: یکی از حیث شخصیت و وثاقت علمی ربیع و مقبولیت ایشان در نزد دانشمندان. دیگر از نظر اعتبارسنجی کتاب در نزد دانشمندان (متقدمین و متاخرین). هم‌چنین از منظر روش روایی ربیع در جمع آوری احادیث و صحت احادیث با تکیه بر بررسی اسانید احادیث. و بالاخره از حیث نظم و اسلوب کتاب و مقایسه کمی آن از نظر تعداد احادیث، تعداد ابواب، شکل و مقایسه کیفی روایات با توجه به محتوا.

درباره *مسند* ربیع آثار بسیار کمی به رشته تحریر در آمده است، که از این میان می‌توان به مقاله فرانچسکا به زبان ایتالیایی (Francesca, 2005, 30-59) و کتاب *تحذیر المسلمین عن مسند الربیع* نوشته زکی مصری حدیث شناس معاصر مصر اشاره کرد. این کتاب جامع‌ترین کتاب در آشنایی با *المسند* ربیع و ردیه‌ای بر آن است. در این مطالعه سعی می‌کنیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: اولاً، آراء عالمان مسلمان در اعصار مختلف درباره ربیع بن حبیب و *المسند* او چه بوده است؛ ثانیاً، کتاب *المسند* او چه جایگاهی در میان کتب روایی متقدم دارد؛ ثالثاً، استناد کتاب *المسند* موجود به ربیع تا چه اندازه قابل دفاع است.

۱. آشنایی با ربیع بن حبیب و *مسند* او

ربیع بن حبیب بن عمرو فراهیدی (شماخی، ۱۴۰۷ق، ۹۵/۱) متولد عمان است و به واسطه اقامتش در بصره به ابوعمر و بصری مشهور است (دُرَجینی، ۱۳۹۴ق، ۲/۲۷۳). در خصوص زمان دقیق تاریخ تولد وی در بین مورخان اختلافاتی وجود دارد؛ ولی آن چه قطعی می‌نماید، در نیمه دوم سده ۹۰ق بین سال‌های ۷۵ق تا ۸۰ق بوده، زیرا نقل است که او در حالی که جوان بود جابر بن زید (د ۹۶ق) را درک کرده است (قنوبی، ۱۴۱۵ق، ۱۶). ربیع در عمان رشد نمود و پس از دوران کودکی و اخذ معارف در نزد پدرش شیخ حبیب بن عمرو و بعضی مشایخ عمان در حوالی سال ۹۰ق (قنوبی، همان، ۱۷) به بصره رفت و در منطقه خربیه (راشدی، ۱۴۱۳ق، ۲۵۰) سکنی گزید. او در اواخر عمر به عمان بازگشت و در سال ۱۷۵ق درگذشت (قنوبی، همان).

الف) مشایخ و شاگردان ربیع

ربیع در بصره به فراگیری علوم تفسیر، حدیث و فقه پرداخت و یکی از برجسته‌ترین علمای اباضی در آن شهر گردید و توانست رهبری اباضیان را پس از ابوعبیده در بصره به دست گیرد. بنابر گفته ربیع که فقه را از سه کس آموخته‌ام، می‌توان از شیوخ وی ابوعبیده مسلم بن ابی کریمه تمیمی، ضمام بن سائب و ابو نوح صالح دهان را نام برد (شماخی، ۱۴۰۷ق، ۹۶/۱). به نظر می‌رسد مهمترین شیخ وی ابوعبیده بوده، او با ابوعبیده مصاحبت داشته و همواره ملازم وی بوده است. ربیع بیش‌ترین روایت را از ابوعبیده نقل کرده است. ابوعبیده گاهی ربیع را به جای خود به عنوان پیشوای حاجیان

اباضی به حج می‌فرستاد (ابن سلام، ۱۴۰۶ق، ۱۱۰)؛ ربیع علاوه بر این سه تن از عالمان طبقه تابعین چون قتاده، عمرو بن هرّم و حماد بن سلمه نیز بهره برده است (ضیائی، ۱۳۹۰ش، ۱۳۷). شاگردان زیادی از محضر ربیع کسب علم کردند که برخی از ایشان از علمای مشهور اباضی گردیدند. از جمله آن‌ها می‌توان محبوب بن رحیل قریشی، موسی بن ابی جابر بن زید ازکوی، بشیر بن منذر، ابو صفره عبدالملک، ابو ایوب وائل بن ایوب را نام برد (بطاشی، ۱۴۱۳ق، ۱۶۵-۱۶۹؛ راشدی، همان، ۲۷).

ب) وثاقت ربیع در نزد دانشمندان

اباضیان از ربیع به جلالت و عظمت یاد کرده و او را در علم و تقوی و امانت ضرب المثل دانسته و گفته‌اند قرآن از شخصی قبول نمی‌شود مگر آن که شبیه ربیع گردد (کندی، ۱۴۰۴ق، ۷۱ / ۲۴؛ سعدی، ۱۴۲۷ق، ۲۹). شَمَاحی رجال نویسنده اباضی سده ۱۰ق، در *السیر* خود ربیع را صاحب بهترین مذهب و دریای علوم معرفی می‌کند (۱۴۰۷ق، ۱ / ۹۵). دُرَجینی فقیه بزرگ اباضی در کتاب *الطبقات* خود از قول ابو عبیده (از شیوخ ربیع) او را فقیه و با تقوی خوانده است (۱۳۹۴ق، ۲ / ۲۷۶). با وجود وثوق ربیع در میان علمای اباضی، درباره شخصیت او در میان علمای غیر اباضی اختلاف نظر است. برخی او را مدح کرده‌اند، مانند زرکلی که او را دانشمند حدیث و از بزرگان سده دوم هجری و از اهل بصره دانسته است و نام‌گذاری کتاب او را به ورجلانی نسبت می‌دهد (۱۹۸۰م، ۳ / ۱۴). عزالدین بلیق نویسنده و پژوهشگر علوم دینی معاصر در کتاب *منهاج الصالحین* می‌گوید بیشتر احادیث خود را از کتب سته و *مسند* ربیع اخذ کرده است (بی تا: ۸). بزرگانی از اهل سنت حتی او را توثیق کرده‌اند، مثلاً یحیی بن معین (ابن الجنید، بی تا، ۵۴)، ابن شاهین (۱۹۸۴م، ۲۷) او را ثقه می‌دانند؛ دارقطنی در کتاب *الضعفاء و المتروکون* از ربیع با تعبیر «فلا یتروک» یاد کرده است (۱۹۸۴م، ۲۰۸). ابن حبان در *الثقات*، وی را ثقه (۱۹۷۵م، ۶ / ۲۹۹) و بخاری در *التاریخ الکبیر* (۱۹۸۶م، ۳ / ۲۷۷) نیز بدون جرح و تعدیل از ربیع یاد کرده است.

اما عالمان معاصر از عامه مسلمانان ربیع را مجهول، و مسند او را سرشار از روایات واهی و ناشناخته دانسته‌اند. زکی مصری در کتاب *تحذیر المسلمین عن مسند الربیع* با فرض ثقه بودن ربیع و اصالت کتاب و صحت انتسابش به او، ۳۵ حدیث این کتاب را معتبر می‌داند (مصری، ۲۰۰۹م، ۳۹۸). آلبانی در *سلسله الاحادیث الضعیفه* ربیع را شخصیت مجهولی که نامی از او در کتب بزرگان اهل سنت نیست دانسته و مسندش را مملو از روایات ناشناخته و منکر می‌داند (۱۴۲۱ق، ۶ / ۳۰۴). آلبانی به علت تعصب نسبت به خوارج و در نتیجه اباضیه، بسیاری از موارد ذکر شده در کتب گذشته را که در باب ربیع سخن گفته‌اند (برای نمونه رک: ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ۱ / ۱۸۶) انکار نموده و ربیع را

شخصیتی که نامی از او در آثار پیشینیان نیست، می‌داند. وی هم‌چنین در کتاب *صفه الصلاة النبوی* مسند ربیع را مجهول دانسته است (۱۴۱۳ق، پاورقی ۱۸۸).

با توجه به این که نام ربیع بن حبیب در کتب متقدمین اباضیه سده ۳ق (مدونه ابی غانم خراسانی) و سده ۴ق (المعتبر کدمی) و سده ۵ق (بیان الشرع کندی) آمده است، نمی‌توان او را شخصیت مجهولی که نامی از او برده نشده، دانست.

البته این نکته قابل تامل است که راویان حدیث به نام ربیع بن حبیب سه نفرند، که عبارت اند از: ربیع بن حبیب کوفی، ربیع بن حبیب بصری اباضی و ربیع بن حبیب حنفی (نکا قنوبی، همان، ۱۷؛ سخاوی، ۱۴۱۵ق، ۴/ ۲۶۸) ابن ابی حاتم در *الجرح والتعديل* ربیع حنفی و بصری را یکی دانسته است و ذهبی در *میزان الاعتدال* (۱۹۹۵م، ۳/ ۶۲) و ابن حجر در *تقریب التهذیب* (۱۴۱۵ق، ۲۰۶) از او تبعیت کرده‌اند، ولی بخاری (همان، ۳/ ۲۷۷) و ابن حبان (همان، ۶/ ۲۹۹) ربیع کوفی را جرح نموده و از ضعف می‌دانند و ربیع حنفی و ربیع بصری را دو نفر مستقل و ثقه معرفی می‌کنند.

پ. آشنایی با کتاب *المسند*

آثار زیادی از ربیع به دست ما نرسیده است، با این حال از همان میزان کم هم می‌فهمیم تمایل اصلی او حوزه حدیث بوده است، مهمترین آثار او عبارتند از: *المسند*، *بعض الاحادیث النبویه و الاثار المرویه عن بعض الصحابه*، *الآثار* (روایت‌هایی که ربیع از استادش ضمام بن سائب نقل کرده است)، هم‌چنین اثری در پاسخ به سؤالاتی درباره عبادات و معاملات و احوال شخصیه. *مسند* ربیع از مهم‌ترین آثار ربیع در میان اباضیه است، این کتاب در ابتدا به صورت دست‌نویس بوده و مطالب آن از نظر موضوعی ترتیب خاصی نداشت تا این که ابویعقوب یوسف ورجلانی (د ۵۷۰ق) احادیث آن را به صورت موضوعی همچون کتب متداول فقهی تنظیم نمود.

این کتاب تنظیم‌شده به *الجامع الصحیح* مشهور شد (ضیائی، همان، ۱۳۹). البته *الجامع الصحیح* دارای چهار جزء است و آن چه از مسند ربیع منتشر شده، در واقع جزء اول و دوم کتاب و دربردارنده ۷۴۳ حدیث فقهی است؛ ابویعقوب ورجلانی اجزاء دیگر مثل احتجاجات ربیع علیه مخالفانش در ۱۴۰ مساله و روایات محبوب بن رحیل قرشی از ربیع و روایات افلح بن عبدالوهاب رستمی از بشر بن غانم خراسانی و همچنین مراسیل جابر بن زید را که مرتبط با ربیع بوده بدان افزوده است (نامی، ۲۰۰۱م، ۱۲۹). بر *مسند* ربیع شروح متعددی نگاشته شده که از مهمترین آن‌ها می‌توان به شرح شیخ عبدالله بن حمید سالمی - با تکیه بر نسخ خطی موجود در عمان - و شرح جامع‌تر و کامل‌تر محمد بن یوسف بن اطیفش ادیب و عالم اباضی اشاره کرد.

۲. سنجش‌های عالمان مسلمان از اعتبار اثر

در بحث اعتبارسنجی هر کتابی لازم است چند مطلب مورد دقت و بررسی قرار گیرد. نخست صحت انتساب کتاب به مؤلف است؛ بدان معنا که آیا کتاب توسط این مؤلف نوشته شده است یا خیر. دوم اعتبار نسخه‌های موجود است. سوم صحت و ضعف روایات موجود در کتاب از نظر سندی و محتوایی است. در ادامه *المسند* ربیع را از این سه بعد بررسی می‌کنیم و به تفکیک نظرات علمای اباضیه و سایر علمای اهل سنت را می‌آوریم. پیش از آن عنوان کتاب را مورد سنجش و بررسی قرار می‌دهیم.

الف) بررسی و سنجش عنوان کتاب

مسند کتاب حدیثی است که روایات در آن به ترتیب صحابه جمع آوری شده باشد؛ بدین معنا که در کتب مسانید روایات را براساس آخرین راوی که صحابی پیامبر اکرم (ص) باشد (به صورت الفبایی یا غیر الفبایی) مرتب شده اند (سیوطی، ۱۴۲۶ق، ۲/ ۶۶۴). با توجه به این تعریف نام‌گذاری کتاب به *المسند* جای تامل دارد و به نظر می‌رسد اطلاق نام *المسند* بر آن صحیح نیست؛ زیرا *مسند* ربیع بر اساس ابواب فقهی تنظیم شده است نه بر اساس صحابی. احادیث منقول در مسند از ۵۶ صحابی است، ولی بیش‌ترین روایت نقل شده از تعداد اندکی از صحابی (قریب به ۱۰ نفر) و از بقیه صحابه فقط یک روایت نقل شده که خود مبین‌گزینش و اجتهاد در نقل روایت بوده است. علاوه بر آن، ادله ذیل نیز مؤید فقهی بودن کتاب اولیه *المسند* است:

مؤلف در اثنای نقل روایات فقهی اشاره می‌کند که این روایت قبلاً در باب فلان ذکر شد و یا در فلان باب می‌آید و این نحو بیان نشان می‌دهد که روایات بر اساس صحابی تنظیم نشده و خلاف مسند نویسی است. به عنوان نمونه در کتاب جهاد پس از بیان روایتی آن را به غزوات دیگر در ابواب مختلف ارجاع می‌دهد و می‌نویسد: «غزوة ذات السلاسل مذکوره فی باب التیمم، غزوة ذی أنمار مذکوره فی باب الثیاب...» (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۶۶۹) و یا پس از نقل روایت در باب مسجد و فضیلت مسجد پیامبر (ص) می‌گوید ذکر آن در باب تیمم گذشت: «قد تقدم فی باب التیمم» (همان، ۲۵۵؛ برای نمونه بیش‌تر نک: همان، ۲۵۷ و ۶۱۷)

ربیع گاهی قسمتی از روایت یک صحابی را در بابی و قسمت دیگر را در باب دیگر آورده و حدیث کامل را نیز در باب دیگر آورده است و این خود مؤید اجتهاد و استدلال ربیع در بهره‌گیری از روایات است که مغایر با اصول مسندنویسی است. به عنوان نمونه قسمتی از روایت ابو عبیده از جابر بن زید از انس از رسول اکرم (ص) در باب صدقه را بیان نموده (همان، ۴۸) و در باب ولایت و امارت آن را کامل آورده است. این روش ربیع در جای جای کتاب به چشم می‌خورد (برای نمونه بیش‌تر نک: همان، ۱۰۰، ۱۲۶، ۱۵۳، ۱۳۴).

در اصول مسندنویسی رویه بر نقل روایت از صحابی بدون توجه به تعدد و اختلاف در متون روایت و اسانید آن است. در صورتی که در *المسند* روایات صحابه ذیل ابواب آمده و در ادامه جهت تایید یا رد به صحابه دیگر استناد شده است (نک: همان، ۱۸۸، ۳۹۳).

دلیل دیگر تعلیقات و نظریات مؤلف در ذیل احادیث است که بیانگر اجتهاد مؤلف بوده و در کتب فقهی مرسوم است. مثلاً ربیع در ذیل حدیث وضو می‌گوید نزد اباضیه مستحب است که بعد از وضو، اعضا را لمس نکنند، تا پاداش و ثواب کسب کنند: «المعمولُ به عندنا أن لا یمسحَ أعضاءه بعد الوضوءِ و هو استحبابٌ من اهل العلم و ترغیبٌ منهم فی نیل الثوابِ مادام الماءُ علی اعضاءه» (همان، ۹۵؛ برای نمونه پیش‌تر نک: همان، ۵۴۴، ۷۶۲ و ۱۲۶).

ب) اعتبارسنجی کتاب نزد محدثین اباضی

رویکرد متقدمین اباضیه در زمینه تدوین حدیث متفاوت است، اباضیان متقدم چندان تأکیدی بر تدوین آثار مستقل حدیثی نداشته‌اند، از آن رو که احادیث نبوی را که صحابه پیامبر (ص) بر پایه ضوابط و عقاید کلامی می‌پذیرفته‌اند، نقل می‌کردند (ابن جعفر، ۱۹۸۱م، ۹). آنچه از پژوهش در کتب متقدمین اباضیه به دست می‌آید، عدم معروفیت و اشتهار کتاب *المسند* ربیع تا قبل از ورجلانی است؛ به طوری که متقدمین حدیثی اباضیه در کتب خود اشاره‌ای به کتابی با نام *المسند* ربیع نداشته و حتی در بعضی کتب مشهور اشاره‌ای به صراحت به نام خود ربیع هم نداشته‌اند.

ابوغانم بشر بن غانم خراسانی (د ۲۰۰ق) از اباضیه متقدمین و از شاگردان ربیع بن حبیب در کتاب *المدونه* خود بارها از ربیع سوال و جواب و روایت نقل کرده است. ولی در کتاب خود صحبتی یا اشاره‌ای به کتاب *المسند* ننموده است (نک: ۱۹۴۸م، ۱/ ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸). ابن برکه بهلوی (۲۹۶-۳۶۳ق) از علمای متقدمین و معتمدین اباضیه و صاحب کتاب مشهور *الجامع* در دو جلد که در بردارنده روایات در اصول فقه و مهم‌ترین مباحث در این زمینه است؛ در کتاب خود هیچ نامی از کتاب *مسند* ربیع نیاورده، در صورتی که از افتخارات وی شاگردی نوه محبوب بن رحیل (یکی از راویان *المسند*) است و می‌بایست یکی از کتب مورد استنادش، *مسند* ربیع باشد (قنوبی، ۱۴۱۵ق، ۶۱). ابوبکر کندی (د ۵۵۷ق) یکی دیگر از متقدمین اباضیه و هم عصر ابو یعقوب ورجلانی - مؤلف *الجامع الصحیح* - است. وی در کتاب مشهورش *المصنف* هیچ اشاره‌ای به ربیع و مسند وی نکرده است. در صورتی که وی گاهی از کتب غیر حدیثی نیز مطالبی نقل و یا به روایتی اشاره کرده است (نک: بهلوی، ۱۳۹۴ق، ۷۱ و ۷۲). همچنین وی از افرادی غیر از اهل سنت نقل حدیث نموده، ولی از شخصیتی مثل ربیع روایتی حتی مرفوع نیاورده است. نکته دیگر نگاه ویژه صاحب *المصنف* در طرح مباحث فقهی اختلافی بین مذاهب است که به طور مفصل نظریات و فتاوی مختلف را آورده؛ اما اشاره‌ای به نظرات

خاص ربیع در ابواب فقه (نظیر باب المواقیف و الحرم، باب فی الالهلال بالحج و التلبیه، باب فی جمع الصلاه فی الیوم المطیر) ننموده است. مثلاً منطقی می نمود ابن برکه در باب «جمع الصلاه» که بیش از ۴۰ روایت آورده به ربیع یا *المسند* وی اشارتی داشته باشد ولی چنین اتفاقی نیفتاده است (نک: بهلوی، ۱۳۹۴ق، ۴۴۳).

اعتبار *مسند* ربیع نزد اباضیان متاخر بیش تر از اعتبار صحیح بخاری و صحیح مسلم نزد اهل سنت است به طوری که آن را بعد از *قرآن* کریم صحیح ترین کتاب می شمارند (طعیمه، ۱۴۰۶ق، ۱/۱۰۶). بیش تر روایات *مسند* ربیع از ابو عبیده به نقل از جابر بن زید به نقل از یکی از صحابه است و تنها تعداد اندکی از روایات آن از طریق غیر جابر بن زید نقل شده است. بنابر این اباضیان با استناد به *مسند* ربیع روایات خود را مستقیماً از امامان معتبر خود نقل می کنند و به همین علت *مسند* ربیع از جایگاه مهمی نزد ایشان برخوردار است (ضیائی، ۱۳۹۰ق، ۱۳۹). همچنین *مسند* ربیع بعد از گردآوری شاگردش محبوب بن رحیل به سبب ارزش بالای علمی آن توسط علمای اباضی در مشرق و مغرب منتشر گردید (سعدی، ۱۴۲۷ق، ۴۱). تنوخی در مقدمه اش بر شرح *الجامع الصحیح* می نویسد: «لطف باری تعالی شامل حال من شده که *مسند* ربیع بن حبیب را برای من باقی گذارده و از نعمات او خواهد بود که توفیق دهد تا آن را با شرح علامه عمان - عبدالله بن حمید سالمی - منتشر سازم؛ علمای مصر و شام و عراق و جز عدّه قلیلی از آن ها بر این *مسند* و شرح آن دست نیافته اند» (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ۵/۳۳۰).

پ) اعتبارسنجی کتاب نزد محدثین غیر اباضی

دو دلیل عمده باعث گشت تا علمای حدیث اهل سنت روایت های بسیار کمی از اباضیه نقل کنند و به تبع آن منابع حدیث اباضیه را مجهول بخوانند و یا از نظر صحت زیر سوال ببرند. دلیل اول این که ایشان اباضیه را جزء خوارج به حساب آورده اند، بنابراین همان حکمی را برای آن ها قائل شده اند که برای خوارج داده اند. ایشان خوارج را جزء افرادی به حساب آورده اند که حدیث مبدع دارند. در اهل سنت مشهور است که تا جائی که امکان دارد از اهل بدعت روایت نشود زیرا اگر از آن ها روایت نشود و مهجور بمانند، نوعی اهانت و مجازات برای ایشان تلقی می شود (ابن رجب، شرح *علل الترمذی*، ۱/۳۵۷). این همان مفهومی است که ثوری به آن پرداخته است. او معتقد است هر کس که از مبدع سخنی بشنود، خداوند از آن چه شنیده به او سودی نمی رساند و هر کس با او دست دهد، اسلام را به صورت پی در پی و دسته دسته نقض کرده است (خطیب، بی تا، ۱/۱۳۸). دلیل دوم این که اباضیه مخالف دولت اموی بودند. تعداد زیادی از رهبران این فرقه مانند جابر بن زید بن زید و ابو عبیده مسلم بن ابی کریمه و ضمام بن سائب به زندان افتادند. همین امر سبب شده بود که مردم از هم نشینی با اباضیه به شدت پرهیز کنند و تا جائی که امکان داشت از آن ها دوری

می‌گزیدند تا مورد خشم بنی امیه قرار نگیرند. این رفتارها به شدت بر روابط با اباضیه و در نتیجه بر تعداد احادیثی که از ایشان نقل شده است، اثر گذاشت.

علاوه بر موارد ذکر شده آن چه این رویکرد را خاص تر و ویژه تر نموده است، نظر اهل سنت، درباره اعتبار صحیحین و معیار بودن آن در صحت احادیث دیگر است. اهل سنت معتقدند اگر روایاتی با روایات صحیحین و یا حتی یکی از جوامع متقدم در تعارض باشد، روایت جوامع، مقدم خواهد بود. به عبارتی دیگر صحیح خوانده شدن *المسند ربیع* بعد از *قرآن* و همچنین ارجحیت آن بر صحیحین، باعث هجمه زیاد و عدم اعتبار آن در نزد دانشمندان اهل سنت شده است. از سویی دیگر عدم وجود کتاب خطی موثق *المسند ربیع* و عدم وجود نام *المسند الربیع* در کتب متقدم اباضیه و اهل سنت بر بی اعتباری آن افزوده است.

۳. روش ربیع در *المسند*

در خصوص روش ربیع در کتابش به ذکر موارد مهم مانند بررسی اسانید احادیث، ساختار و ابواب کتاب و بررسی محتوایی آن می‌پردازیم.

الف) بررسی سندی احادیث *المسند*

در سده‌های نخستین اسلامی محدثان در تالیف کتب فقهی عمدتاً به ذکر روایات اکتفا می‌کردند و در بسیاری از موارد عیناً از تعابیر احادیث جهت بیان فتوای خویش استفاده می‌کردند. حتی در کتاب غیر روایی خویش عیناً از الفاظ روایات استفاده می‌کردند. سعی و تلاش ربیع در تالیفاتش خصوصاً در *المسند* نیز بر همین رویکرد است و فتوای خود را با نص روایت یا برگرفته از الفاظ روایات تعبیر کرده است.

طبق ادعای علمای اباضیه، تعداد احادیثی که اباضیه از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند و نزد آنان توثیق شده، چهار هزار حدیث است. نهصد حدیث در اصول عقاید و مبانی و بقیه در آداب و احکام (نامی، ۲۰۰۱م، ۱۲۹-۱۳۰). این در حالی است که ربیع روایات خود را فقط از رجال مذهب اباضیه گرفته و هیچ روایتی از غیر آن نقل نکرده است، به ادعای علمای اباضیه نکته قوت وی در ثلاثیات است که آن را ناشی از ورع و دقت ضبط ربیع دانسته‌اند (اطفیش، ۱۴۰۶ق، ۱/ ۷). هم‌چنین وی در *المسند* برای تبیین معنای حدیث و تاکید عمل به آن و یا تخصیص آن، از آثار صحابه و تابعین استفاده کرده است (سعدی، ۱۴۲۷ق، ۵۲).

نکته دیگر این که ربیع در *المسند* از ۵۶ نفر از صحابه، روایت نقل کرده که ۱۰ نفر از آن‌ها زن هستند. وی بیش‌ترین روایات را از ابن عباس ۲۰۰ حدیث، ابوهریره ۱۰۰ حدیث، عایشه ۸۸ حدیث، ابوسعید ۵۹ حدیث، انس بن مالک ۴۹ حدیث، عبدالله بن عمر ۲۰ حدیث، عبدالله بن صامت ۱۵ حدیث، جابر بن عبدالله انصاری ۱۲ حدیث، نقل کرده است. ربیع از هر کدام یک از خلفای سه گانه

ابوبکر، عمر و عثمان به ترتیب ۲، ۹ و ۲ و همچنین از حضرت علی (ع)، ۵ روایت عالی السند نقل کرده است. برخی آن را نشان عدم تعصب ربیع و یکی از شواهد مقبولیت حضرت علی (ع) در نزد اباضیه دانسته‌اند (بارونی، ۱۳۳۵ق، ۱۷).

همان طور که ذکر شد، از نکات مهم اعتبار روایی *مسند ربیع* در نزد دانشمندان اباضیه وجود ثلاثیات است که رجال سلسله سه‌گانه آن ابو عبیده تمیمی، جابر بن زید ازدی از یکی از صحابه (ابوسعید خدری، انس بن مالک، ابوهریره، عایشه، علی بن ابیطالب (ع) و... ویش از همه از ابن عباس) است. این رجال سه‌گانه مورد وثوق دانشمندان اباضی‌اند (نک: ابن سعد، بی تا، ۱۳۳/۷؛ ابن الصلاح، ۱۹۸۸م، ۱۳۰). با بررسی اسانید احادیث *المسند* گرچه اغلب ثلاثیات با اتصال سند سه‌گانه - ابو عبیده عن جابر بن زید عن ابن عباس - آمده، ولی احادیثی زیادی نیز با اسانید دیگر نظیر ربیع عن ضمام عن جابر بن زید عن ابن عباس (ربیع، ۱۹۹۵م، حدیث ۵۲۰)، ابو عبیده عن ضمام عن جابر بن زید عن ابن عباس (همان، حدیث ۶۸۸)، عبدالاعلی عن داود عن عکرمه عن ابن عباس (همان، حدیث ۱۶)، یحیی بن کثیر عن شعیب عن قتاده عن ابن عباس (همان، حدیث ۱۷) و ابو عبیده عن حیان عن ابن عباس (همان، حدیث ۷۴۲) نقل شده است.

از مجموع ۷۴۳ حدیث در *المسند* ۵۴۳ حدیث دارای اتصال سند و قریب به یک ربع آن مرسل یا منقطع است که شامل ۹۷ حدیث منقطع و ۱۰۳ حدیث مرسل (مراسیل جابر بن زید ۷۷ حدیث و ابی عبیده ۲۶ حدیث) است (قنوبی، ۱۴۱۵ق، ۱۴۷)؛ البته قنوبی در خصوص مراسیل و احادیث منقطع ربیع تحقیقاتی داشته و اکثریت احادیث غیر متصل را با اسانید حسنه و صحیح در دیگر کتب روایی استخراج نموده است (قنوبی، ۱۴۱۵، ۱۴۷). هم‌چنین مزی در *تهذیب الکمال* (۱۹۸۰م، ۳/۲۸۶) و ابن حجر در *التقریب و التهذیب* (۱۴۱۵ق، ۲۹۷) به ثقه بودن جابر بن زید و دقت و ضبط و عدم نقل از غیر ثقه نظر داده و صحت مراسیل جابر بن زید را بیان داشته‌اند.

ب) ابواب و ساختار *المسند*

با بررسی کتاب روایی *المسند* به این نتیجه می‌رسیم که ربیع در هر باب به چند حدیث بسنده کرده و بسیاری از مطالب فقهی مهم که در استنباط حکم به فقیه کمک می‌کند مبهم باقیمانده و به آن اشاره‌ای مختصر هم نشده است. نداشتن جامعیت مطالب، ضعف بزرگی برای کتاب فقهی محسوب می‌گردد. هم‌چنین به هم‌ریختگی‌هایی نظیر آوردن مطالب کلامی ذیل ابواب فقهی و همچنین درج روایت بی ارتباط به موضوع باب مشاهده می‌گردد. در ادامه به ابواب این کتاب می‌پردازیم و مقایسه اجمالی با فقه شیعه خواهیم داشت تا مدعای پیش‌گفته مشخص گردد:

کتاب اول در مسند ربیع، کتاب طهارت است ربیع با استناد به روایاتی در خصوص مقدار آبی که به اندازه دو قله (خمره بزرگ) باشد معتقد است چیزی آن را نجس نمی‌سازد و در این دیدگاه هم

عقیده با شیعه است (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۷۱؛ قس: صدوق، ۱۴۲۶ق، ۱۰) در خصوص آداب وضو ربیع با بهره گیری از روایتی از ابو عبیده از جابر بن زید از ابن عباس از پیامبر (ص) در معرض آب قراردادن کف و پشت پا را اراده کرده است، و همچنین شستن آن ها را مورد نظر داشته است، که با عقیده رایج اهل سنت همخوان است (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۵۴، ح ۹۴).

کتاب بعدی در مسند ربیع، کتاب الصلاة است. ربیع در بابی تحت عنوان واجب شدن نماز در حضر و سفر، با استناد به روایات بیان می دارد بر شخص اقامت کننده ۱۷ رکعت و بر مسافر ۱۱ رکعت واجب گردیده است (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۸۱). وی با نقل روایتی از ابن عباس بیان می کند که اباضیه به قصر نماز مسافر هر قدر سفر طول بکشد قائل اند، به شرط آن که مسافر قصد اقامت (حداقل چها روز) در آن جا نکند و آن را وطن خود نگیرد (بارونی، ۱۳۵۷ق، ۷۶). ربیع هم عقیده با شیعه معتقد به جمع صلاتین (ظهر و عصر، مغرب و عشا) است با این تفاوت که ربیع بر خلاف شیعه برای آن شرایطی بیان می کند (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۱۰۶ و ۱۰۷؛ قس: ابن بابویه، ۱۴۲۶ق، ۸۸۶). وی در خصوص امامت و خلافت در نماز، با ذکر حدیثی از ابن عباس از پیامبر (ص) معتقد است که فسق امام داخل نماز نمی شود و آن را فاسد نمی کند (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۱۹۰) و پیرو این فتوای ربیع، اباضیان نماز جمعه را حتی اگر امام جائز باشد، واجب می دانند (طعیمه، ۱۴۰۶ق، ۶۷). علی رغم طرح مباحث مختلف در این باب، ولی در خصوص کیفیت نماز نظیر رکوع، سجود، قرائت و نماز قضا، نماز جمعه، سهو در نماز و نماز شب، اشاراتی کوتاه شده است که برای استنباط فقهی و برداشت حکم از روایت مطلوب نیست.

کتاب بعدی در مسند ربیع، کتاب الصوم است. ربیع فتوای وجوب تقصیر در روزه مسافر را با استنباط از ۳ روایت از جمله روایتی به نقل از ابن عباس بیان می کند (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۱۱۰۳). همچنین با استناد به حدیثی از ابو عبیده از جابر بن زید از ابن عباس بر خلاف شیعیان، استحباب روزه عاشورا را مطرح می سازد (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۳۰۸ و ۳۰۹). ربیع در باب روزه یوم الشک (روز آخر ماه شعبان) نیز با بیان روایتی از نهی پیامبر (ص) در جهت روزه داری آن خبر می دهد (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۳۲۴). در حالی که امامیه روزه گرفتن آن را طبق روایاتی که از حضرت علی (ع) نقل می کنند جایز و پرتواب می دانند (صدوق، ۱۴۲۶ق، ۲۵۳). در نتیجه بررسی این باب این نکته مشخص می شود که روایات مورد استناد ربیع بسیار اجمالی بوده و به جزییات نپرداخته است و هم چنین بسیاری از مسائل نظیر قضا روزه ماه رمضان را مبهم باقی گزارده است.

کتاب چهارم در مسند ربیع، کتاب الزکاة است. ربیع باب اول کتاب زکات و صدقه را به بررسی باب نصاب به تعداد ۴ حدیث می پردازد. در باب خمس نیز به استناد یک روایت بسنده کرده است (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۱۳۶).

کتاب بعدی، کتاب الحج است. ربیع مبحث حج را با بابی تحت عنوان واجب شدن حج به تعداد

چهار حدیث آغاز می‌کند (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۱۶۰) در باب دوم، مبحث مواقیت احرام را که مورد اختلاف در نظر فقهای مذاهب است، مورد بررسی قرار می‌دهد (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۱۶۱ و ۱۶۵). این نکته را باید متذکر شد که ربیع در این باب نیز به موضوعاتی نظیر طواف نساء، سهو در طواف و احکام طواف اشاره ای نکرده است. در ضمن پس از مبحث حج وارد کتاب جهاد می‌شود، که حاکی از آن است که جهاد در نزد اباضیه از جایگاه ویژه برخوردار است (نک: جیطالی، ۱۴۰۳ق، ۲ / ۱۲۹).

کتاب بعدی کتاب المتمعنه است. ربیع در این باب بر خلاف شیعیان روایتی در باب نهی متعه کردن زنان آورده است (ربیع، ۱۴۲۴ : ۲۰۹). حتی اهل سنت اشکالات زیادی بر این روایات وارد کرده‌اند (جوزی، ۱۴۱۵ق، ۲ / ۳۴۴؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ۷ / ۳۶۹).

کتاب هفتم مسند ربیع، کتاب الطلاق است. ربیع باب اول این کتاب را به مبحث طلاق خلع اختصاص داده است (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۲۱۳) و در باب‌های بعدی روایات حیض و مستحاضه را مورد بررسی قرار می‌دهد، ولی در خصوص احکام ایلاء، ظهار، لعان و... مطلبی دیده نمی‌شود. کتاب دیگری که ربیع در مسند، به آن پرداخته کتاب البیع است. وی این باب بسیار مختصر را با بیع میوه و بیان روایتی از انس بن مالک از پیامبر (ص) آغاز نموده است (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۲۱۶). در ابواب بعدی به مباحث بیع خیار و بیع شرط، ربا و غش می‌پردازد.

کتاب نهم، کتابی در ابواب مختلف احکام است. ربیع در این کتاب موضوعات متنوعی را آورده است. باب اول آن را با نقل ۱۵ روایت به مباحثی نظیر عدالت قاضی، شهادت شهود و صلح پرداخته است (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۲۳۵) و باب دوم را به رجم و حدود و مباحث بعدی را با استناد به روایات به باب ضاله، لقطه و ذبح حیوانات اختصاص داده است. آخرین کتاب، کتابی در باب ایمان و نذور است. ربیع بخش اول را بسیار مختصر به ایمان اختصاص داده و در زمینه دیات، بسیاری از مطالب دیات نظیر عاقله، قسامه و دیه را مورد بررسی قرار نداده است (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۲۵۹). اگر چه ربیع در زمینه ارث روایات بسیاری نقل کرده، ولی دارای اختلافات زیاد است، به عنوان نمونه او با استناد به روایات بیان می‌دارد قاتلی که مرتکب قتل عمد یا خطایی شده است از مقتول ارث نمی‌برد (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۲۶۱). از مرور ساختار کتاب المسند نداشتن جامعیت کتاب فقهی ربیع مشخص است.

پ) بررسی متنی احادیث المسند

بیش تر احادیث مسند ربیع مشهور اند و با احادیث اهل سنت از نظر محتوا هم‌پوشانی دارند. کمتر پیش می‌آید که حدیثی از آن در کتب اهل سنت نباشد. از روایات مسند ربیع حدیث صلاة ابوبکر است که مطابق با روایات اهل سنت و از مستندات ایشان در مشروعیت خلافت ابوبکر است، ولی امامیه با اصل تعیین ابوبکر به امامت نماز از سوی پیامبر (ص) در اواخر عمر آن حضرت مخالف هستند (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۱۰۷؛ مفید، ۱۴۱۴ق، ۲۰۱). در مسند ربیع از برخی صحابه مورد توجه امامیه

مثل حضرت علی (ع) و ابن عباس بارها روایت نقل شده است (ضیائی، ۱۳۹۰ش، ۳۱۲).

نکته دیگر آنکه برخی از روایات منقول از ربیع نسبت به نقل سایر محدثان شیعه و سنی مختصرتر است؛ به عنوان مثال ربیع در نقل حدیث نیت به «نِیَةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ» بسنده کرده است (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۲۵) در حالی که کلینی در *کافی* (۱۴۰۷ق، ۸۷/۲) و طبرانی در *المعجم الکبیر* (۱۴۰۵ق، ۶/۱۸۵) مفصل آن را بیان نموده اند (برای نمونه بیش تر نک: ربیع، ۱۴۲۴ق، ۵۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۱۲۶).

برخی روایات از جمله متفردات ربیع است و در کتب فریقین و خصوصاً اهل سنت یافت نمی‌شود. ربیع در باب زکات روایتی از ابو عبیده از جابر بن زید از ابن عباس از رسول خدا (ص) نقل می‌کند: «مَانَعُ الزَّكَاةَ يُقْتَلُ» (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۳۴۰). هم‌چنین ربیع در باب آداب وضو از ابو عبیده از جابر بن زید از ابن عباس از پیامبر نقل می‌کند: «خَلَلُوا بَيْنَ أَصَابِعِكُمْ فِي الْوُضُوءِ، قَبْلَ أَنْ تَخْلَلَ بِمَسَامِيرِ مَنْ نَارٍ» (همان، ۹۰) قبل از آغشته شدن به میخ‌های آتش، در وضو گرفتن بین انگشتان خود دست بکشید. این روایات در کتب فریقین یافت نمی‌شود و از متفردات ربیع در مسند می‌باشد. از دیگر متفردات ربیع می‌توان به روایتی در باب «فِي الْوَلَايَةِ وَالْإِمَارَةِ»، از عباده بن صامت از عثمان بن عفان اشاره کرد که می‌گوید حاکمانی بر شما حکومت خواهند کرد که مانند شما قرآن می‌خوانند، از ایشان اطاعت نکنید: «سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَرَاءٌ يَقْرَأُونَ كَمَا تَقْرَأُونَ فَلَيْسَ لَأَوْلِيَّكَ عَلَيْكُمْ طَاعَةٌ» (همان، ۴۶) این روایت به این شکل که در عقاید اباضیه مبنی بر خروج علیه حاکم می‌باشد در کتب مشهور اهل سنت نیست.

نکته دیگر در مباحث متنی مسند ربیع، اختلاط متن روایت با مباحث ذیل آن است که باعث اضطراب در اصل روایات مسند شده است. اضافات ذیل روایت و در نتیجه تناقض و اختلاف در اول و آخر روایت از عمده این مباحث است. به عنوان نمونه ربیع در باب نجاسات از ابو عبیده از جابر بن زید از انس بن مالک از رسول خدا (ص) نقل می‌کند: «قَدْ أَبَاحَ لِلْعَرَبِيِّينَ - قَوْمٌ مِنَ الْعَرَبِ - أَنْ يَشْرَبُوا مِنْ أَبْوَالِ الْإِبِلِ وَ الْبَهَائِمِ وَ أَلْبَانِهَا، مَعَ الضَّرُورَةِ» (همان، ۱۴۶) برای عربی‌ها - قومی از عرب - مجاز بوده است به هنگام ضرورت که از طریق ادرار شتر و حیوانات اهلی و شیر آن‌ها بنوشند. این روایت در کتب اهل سنت با کمی تغییر و بدون عبارت «مَعَ الضَّرُورَةِ» و «الْبَهَائِمِ» آمده و به نظر می‌رسد به حدیث اضافه شده است. این مطلب را سالمی در شرح مسند نیز تایید می‌کند که شاید این عبارت را انس بن مالک جهت تبیین «شرب ابوال» در حدیث آورده است (رکز بی تا، ۱/۲۰۲). ربیع روایاتی درباره ثواب فراوان روزه روز عاشورا نقل کرده است (برای نمونه نک: ۱۴۲۴ق، ۱۴۳ و ۱۴۴) که در منابع روایی امامیه روایاتی مخالف آن دیده می‌شود (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴/۱۴۶ و ۱۴۷) و فقهای شیعه روزه آن را مکروه شمرده‌اند، ولی در عین حال روایت منقول از ربیع با کتب اهل سنت نیز تفاوت‌هایی دارد. برای مثال ربیع از ابو عبیده از جابر از ابن عباس از رسول خدا (ص) نقل می‌کند: «مَنْ صَامَ يَوْمَ عَاشُورَا كَانَ كَفَّارَةً لِسِتِينَ شَهْرًا» (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۳۰۸) هر که روز عاشورا روزه بگیرد،

کفاره شصت ماه می‌باشد. عبارت «ستین شهرًا» در احادیث اهل سنت نیست (رک: مسلم، بی تا، ۱۱۶۲). نظیر این سیاق در روایت‌های بعدی در این باب با اضافه شدن عبارت ثواب عظیم و یا اجر کریم به آخر روایت قابل مشاهده است (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۳۰۸). هم‌چنین ربیع روایتی از ابو عبیده از جابر بن زید از ابو هریره از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که مضمون آن این است هر کس با ایمان و امید به پاداش الهی روزه بگیرد، خداوند او را بیامرزد و اگر مردم فضیلت رمضان را می‌دانستند آرزو داشتند که رمضان به مدت یک سال باشد: «من صامَ رمضانَ ایماناً و احتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه، و لو علمت ما فی فضلِ رمضانَ لَتَمَنَيْتُمْ أَنْ يَكُونَ سَنَةً» (همان، ۳۲۷) گرچه قسمت اول حدیث مشهور و در کتب مختلف نقل شده ولی قسمت دوم «ولو علمتم...» در کتب اهل سنت مانند **صحیح بخاری** یا **صحیح مسلم** وجود ندارد (رک: بخاری، ۱۹۸۷م، ۳۸؛ مسلم، بی تا، ۷۶۰). ربیع در باب جنازه و آداب کفن و دفن، روایتی از ابو عبیده از جابر بن زید از ابن عباس از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که از پیامبر درباره زنی که فوت کرده، سوال شد و ایشان دستور دادند تا هنگام غسل موهای آن زن را از هم جدا کنند: «سئل رسول الله عن امرأة ماتت، فأمر بتفريق شعر رأسها عند غسلها، والله أعلم» (ربیع، ۱۴۲۴ق، ۴۷۷). آیا «والله أعلم» اصل روایت یا بدان اضافه شده است. اگر جزء اصل روایت باشد به چه کسی اشاره دارد، حضرت رسول (ص)، ابو عبیده، جابر و یا ابن عباس؛ به هر روی این اضافه در کتب حدیثی دیگر وجود ندارد و شارح **المسند** نیز خود بدان اشاره می‌کند که شاید توسط مرتب کننده مسند بدان اضافه شده باشد.

نتیجه

ادعای ناشناخته بودن ربیع و به دنبال آن مجعول بودن مسند وی از سوی برخی از علمای غیر اباضی به افراط و غلو گراییده است. اینکه مشایخ بعدی اباضیه عمده روایات رایج در بین خودشان را به شخص واحدی نسبت داده‌اند؛ نتیجه‌ای جز اینکه ربیع نقش اصلی را در انتقال میراث روایی سلف اباضیه به نسل‌های بعدی بر عهده داشته است، ندارد. هم‌چنین این که نام ربیع بن حبیب علاوه بر آن که در کتب متقدمین اباضیه سده سوم و چهارم آمده، در کتب دانشمندان غیر اباضی نظیر **الضعفاء و المتروکون** دارقطنی، **الثقات** ابن حبان، **الجرح والتعديل** ابن ابی حاتم، **میزان الاعتدال** ذهبی، **تقریب التهذیب** ابن حجر و **التاریخ الکبیر** بخاری آمده است؛ نمی‌توان او را شخصیت ناشناخته دانست.

ادعای کتاب مستقل برای ربیع بن حبیب به علت عدم معروفیت و اشتها آن قبل از ورجلانی و عدم اشاره به نام کتاب در کتب حدیثی متقدمین اباضیه، قابل اثبات نیست و نظر به قراین و شواهدی که گذشت اثبات جعلی و بی‌اساس بودن آن نیز دشوار است. بنابر مطالبی که بیان شد از جمله به دلیل نداشتن جامعیت مطالب فقهی، به هم‌ریختگی‌هایی نظیر آوردن مطالب کلامی ذیل ابواب و هم‌چنین درج روایات غیر مرتبط به موضوع هر باب و مرسل و منقطع بودن روایات و هم‌چنین تقطیع آنان و

اختلاط مباحث راویان با اصل روایات مسند، به نظر می‌رسد تدوین مسند توسط ربیع صورت نگرفته بلکه توسط یکی از شاگردان وی تدوین یافته است.

منابع

- 1- اباضی، ابن سلام، (بی تا)، *کتاب فیه بدء الاسلام و الشرایع* (کتاب ابن سلام)، به کوشش ورنز شوارتز، شیخ سالم بن یعقوب، ویسبادن، انتشارات فرانتز شتاينر.
- 2- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۲۶ق)، *من لا یحضره الفقیه*، بیروت، اعلمی.
- 3- ابن جعفر، (۱۹۸۱م)، *الجامع*، مقدمه عامر، عمان، چاپ عبدالمنعم عامر.
- 4- ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (۱۳۸۶ق)، *الموضوعات*، بیروت، دارالفکر.
- 5- ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر (۱۴۱۵ق)، *زاد المعاد*، بیروت، موسسه الرساله
- 6- اطفیش، محمد بن یوسف (۱۴۰۶ق)، *وفاء الضمانه باداء الامانه فی فن الحدیث*، مسقط، وزارت التراث القومي والثقافه.
- 7- اعوشت، بکیر بن سعید (۱۴۰۹ق)، *دراسات فی الاصول الاباضیه*، عمان، مطابع العالمیه.
- 8- آلبانی، محمد ناصرالدین (۱۴۱۵ق)، *سلسله احادیث الصحیحه*، بیروت، المکتب الاسلامیه.
- 9- _____ (۱۴۲۱ق)، *سلسله احادیث الضعیفه*، ریاض، مکتبه المعارف.
- 10- _____ (۱۴۱۳ق)، *صفه صلاه النبی من التکبیر الی التسلیم کانک تراها*، ریاض، مکتبه المعارف.
- 11- بابا عمی، محمد بن موسی (۱۴۲۱ق)، *معجم اعلام الاباضیه* (من القرن الاول الهجری الی العصر الحاضر، قسم المغرب الاسلامی)، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- 12- بارونی، سلیمان (۱۹۸۸م)، *الازهار الرياضیه فی ائمه و ملوک الاباضیه*، مسقط، وزارت التراث.
- 13- _____ (۱۳۵۷ق)، *مختصر تاریخ الاباضیه*، تونس، مکتبه الاستقامه.
- 14- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۸۶م)، *التاریخ الکبیر*، بیروت، دارالفکر.
- 15- _____ (۱۹۸۶م)، *صحیح البخاری*، بیروت، دارالفکر.
- 16- بستی، محمد بن حبان احمد (۱۹۷۵م)، *الثقات*، بیروت، دارالفکر.
- 17- بطاشی، سیف بن حمود (۱۴۱۳ق)، *اتحاف الاعیان فی تاریخ بعض علماء عمان*، مسقط، بی نا.
- 18- بغدادی، احمد بن علی الخطیب (بی تا)، *الجامع لاخلق الراوی و آداب السامع*، قاهره، موسسه الرساله.
- 19- بهلوی، عبدالله بن محمد بن برکه (۱۳۹۴ق)، *المسند*، به کوشش یحیی عیسی بارونی، بیروت،

لبنان.

- 20- تنوخی، عزالدین (۱۴۱۳ق)، *مسند الامام الربیع بن حبیب*، به کوشش محمد صالح ناصر، قاهره، مکتبه الاستقامه.
- 21- جلالی مقدم، مسعود (۱۳۷۹ش)، *تنها بازماندگان خوارج: جستاری در تاریخ و معتقدات اباضیه*، تهران، نگاه سبز.
- 22- خراسانی، ابوغانم بشر بن غانم (۱۹۴۸م)، *المدونۃ الصغری*، مسقط، وزارت التراث.
- 23- _____ (۱۹۴۸م)، *المدونۃ الکبری*، مسقط، وزارت التراث.
- 24- خلیفات، عوض محمد (۱۹۷۸م)، *نشاء الحركه الاباضیه*، عمان، بی نا.
- 25- دارقطنی، علی بن عمر (۱۹۴۸م)، *الضعفا والمتروکون*، ریاض، مکتبه المعارف.
- 26- درجینی، احمد بن سعید (۱۳۹۴ق)، *طبقات المشایخ بالمغرب*، به کوشش ابراهیم طلائی، مسقط، مکتبه الاستقامه.
- 27- ذهبی، محمد بن احمد (۱۹۹۵م)، *میزان الاعتدال*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- 28- رازی، عبدالرحمان بن ابی حاتم (۱۹۵۲م)، *الجرح والتعدیل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- 29- راشدی، مبارک بن عبدالله (۱۴۱۳ق-۱۹۹۳م)، *الامام ابو عبیده مسلم بن ابی کریمه*، عمان، مطابع الوفا.
- 30- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۰م)، *الاعلام*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- 31- زکی مصری، خالد بن عبدالرحمن (۲۰۰۹م)، *تحذیر المسلمین من مسند الربیع*، بی نا، دارالحديث و الاثر للنشر والتوزيع.
- 32- سالمی، عبدالله بن حمید (بی تا)، *شرح المسند الصحیح*، مسقط، مکتبه الاستقامه.
- 33- _____ (۱۹۹۳م)، *طلعه الشمس*، مسقط، وزارت التراث، الطبعة الثانية.
- 34- سبجانی، جعفر (۱۴۱۲ق)، *بحوث فی الملل والنحل*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- 35- سخاوی، محمد بن عبدالرحمان (۱۴۱۵ق)، *فتح المغیث*، قاهره، مکتبه السنه.
- 36- سعدی، فهد بن علی بن هاشل (۱۴۲۷ق)، *حاشیه علی مسند الامام الربیع*، تعلیقات العلماء علی احادیث المسند من خلال مؤلفاتهم، عمان، مکتبه الانفال.
- 37- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۴۲۶ق)، *تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی*، دمشق، دارالکلم الطیب.
- 38- ابن شاهین، عمر بن احمد (۱۹۴۸م)، *تاریخ اسماء الثقات*، کویت، الدارالسلفیه.
- 39- شماخی، احمد بن سعید (۱۴۰۷ق)، *السير*، مسقط، وزارت التراث.

- 40- ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن (۱۹۸۸م)، *مقدمه ابن الصلاح*، بیروت، دارالفکر.
- 41- ضیائی، علی اکبر (۱۳۹۰ش)، *تاریخ و اعتقادات اباضیه*، تهران، نشر ادیان.
- 42- طمیمه، صابر (۱۴۰۶ق)، *الاباضیه عقیده و مذهباً*، بیروت، دارالجيل.
- 43- عرب، محمد (۱۳۷۷ش)، *آشنایی با مذهب اباضی*، تهران، علمی فرهنگی.
- 44- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۴۱۵ق)، *تقریب التهذیب*، به کوشش محمد عوامه، سوریا، دارالرشید.
- 45- فراهیدی، ربیع بن حبیب (۱۴۲۴ق)، *المسند الصحیح*، به کوشش عاشور بن یوسف، مسقط، مکتبه الاستقامه.
- 46- قنوبی، سعید بن مبروک (۱۴۱۵ق)، *الامام الربیع بن حبیب*، مسقط، مکتبه الضامری.
- 47- کدمی، ابوسعید محمد بن سعید (۱۴۰۵)، *المعتبر*، تحقیق محمد ابوالحسن، عمان، وزارت التراث القومي و الثقافه.
- 48- مزی، یوسف بن عبدالرحمن (۱۴۰۰ق)، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، بیروت، چاپ بشار عواد.
- 49- معمر، علی یحیی (۱۴۰۶ق)، *الاباضیه بین الفرق الاسلامیه*، عمان، وزارت التراث القومي و الثقافه.
- 50- _____ (۱۳۸۴ق)، *الاباضیه فی موكب التاريخ*، قاهره، مکتبه وهبه.
- 51- نامی، عمرو خلیفه (۲۰۰۱م)، *دراسات عن الاباضیه*، ترجمه به عربی میخائیل خوری، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- 52- نجار، عامر (۲۰۰۴م)، *الاباضیه*، قاهره، مکتبه القافه الدینیه.
- 53- ورجلانی، ابویعقوب یوسف ابراهیم (۱۴۰۲ق)، *حاشیه الترتیب*، عمان، وزارت التراث القومي و الثقافه.
- 54- مودب، مریم سادات (۱۳۹۱ش)، «بررسی معیارهای نقد متن روایات از نظر آلبانی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی *حدیث پژوهی*، سال چهارم، شماره هفتم.
- 55- Francesca Ersilia “*Early Ibadī Jurisprudence Sources & Case Law*” In: *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* Vol.30.2005.